

تحلیل فقهی مهریه در اسلام و تأثیر آن بر حقوق زنان

نگارنده: محمد میکائیل پارسا^۱

چکیده

مهریه در فقه اسلامی به عنوان یکی از نهادهای بنیادین حقوق خانواده، جایگاه مهمی در تنظیم روابط زوجین و حمایت از حقوق مالی زن دارد. با این حال، در جوامع معاصر، گسترش برداشتهای عرفی، تعیین مهریه‌های نامتعارف و فاصله گرفتن از فلسفه تشریع آن، موجب بروز چالش‌های حقوقی و افزایش منازعات خانوادگی شده است. در این میان، بازخوانی فقهی مهریه با تأکید بر فقه حنفی می‌تواند در تبیین صحیح جایگاه و کارکرد آن نقش اساسی ایفا کند. از این رو، این پژوهش با هدف بازخوانی فقهی مهریه در اسلام و بررسی جایگاه، کارکرد و چالش‌های معاصر آن با تأکید بر فقه حنفی انجام شده است و در پی پاسخ به این پرسش است که مهریه در فقه اسلامی چه جایگاهی دارد و چالش‌های معاصر آن چگونه قابل تبیین است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهریه در فقه اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم و منابع معتبر فقهی، حق مالی مستقل زن و نهادهی کرامت‌محور و حمایتی است که بر تأمین حقوق مالی و استقلال اقتصادی او تأکید دارد و نباید به ابزار فشار، معامله یا رقابت‌های اجتماعی تقلیل یابد. هم‌چنین نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که بخش قابل توجهی از چالش‌های معاصر مهریه، نه برخاسته از مبانی فقه اسلامی، بلکه ناشی از افراط‌های عرفی و فاصله گرفتن از فلسفه تشریع آن است؛ بنابراین، بازگشت به مبانی اصیل فقه اسلامی می‌تواند در کاهش منازعات خانوادگی، صیانت از حقوق مالی زن و تحکیم نهاد خانواده نقش مؤثری ایفا کند.

واژه‌گان کلیدی: حقوق زن، عقد نکاح، فقه اسلامی، مهریه، منازعات خانوادگی.

۱ عضو کادر علمی دیپارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، پوهنتون غالب، هرات، افغانستان.

Email: mohammadmekacil.parsa@ghalib.edu.af

Jurisprudential Analysis of Dowry in Islam and Its Impact on Women's Rights



Author: Mohammad Mekaeil Parsa²

Abstract

Pro Drug Mahr (dower) in Islamic jurisprudence is considered one of the fundamental institutions of family law and plays an important role in regulating marital relations and protecting women's financial rights. However, in contemporary societies, the expansion of customary interpretations, the determination of excessive dowers, and the deviation from its original legislative philosophy have led to legal challenges and an increase in family disputes. In this context, a jurisprudential re-examination of mahr, with emphasis on the Hanafi school of law, can play a crucial role in clarifying its proper status and function. Accordingly, this study aims to re-examine mahr in Islamic jurisprudence and to investigate its status, function, and contemporary challenges with a particular focus on the Hanafi school. It seeks to answer the question of what position mahr holds in Islamic law and how its contemporary challenges can be interpreted. The research adopts a descriptive-analytical method based on library sources. The findings indicate that, according to the teachings of the Holy Qur'an, the Prophetic Sunnah (peace be upon him), and reliable juristic sources, mahr is an independent financial right of the woman and a dignity-based and protective institution that emphasizes her financial entitlement and economic independence. It should not be reduced to a tool of pressure, transaction, or social competition. The results further show that a significant part of the contemporary challenges related to mahr does not originate from the foundations of Islamic jurisprudence but rather from excessive customary practices and a departure from its legislative philosophy. Therefore, a return to the authentic principles of Islamic jurisprudence can play an effective role in reducing family conflicts, safeguarding women's financial rights, and strengthening the institution of the family.

Keywords: Women's rights, Marriage contract, Islamic jurisprudence, Mahr (dower), Family disputes.

Received: 2026/04/02

Published: 2026/06/29

Number of Pages: 23

Hariwa University (Research and Scientific Journal)



² Member of the academic staff of the Department of Islamic Culture, Faculty of Law and Political Science, Ghalib University, Herat, Afghanistan.

Email: mohammadmekaeil.parsa@ghalib.edu.af

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین، الَّذِي شَرَعَ الْأَحْكَامَ لِتَحْقِيقِ الْعَدْلِ وَصِيَانَةِ الْحُقُوقِ، وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، الْمُبْلَغِ عَنْ رَبِّهِ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ، وَمَنْ اهْتَدَى بِهِدْيِهِمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

نهاد خانواده به عنوان بنیادی ترین واحد اجتماعی، نیازمند سازوکارهای حقوقی و مالی است که امنیت، عدالت و ثبات روابط میان زوجین را تضمین نماید. یکی از مهم ترین این سازوکارها در نظام حقوق خانواده اسلامی، مهریه (صداق) است که به عنوان حق مالی مسلم زن، هم زمان با انعقاد عقد نکاح صحیح برای او ثابت می گردد. مهریه افزون بر کارکرد مالی، دارای ابعاد حقوقی، اجتماعی و اخلاقی است و نقش مهمی در حفظ کرامت زن، تأمین امنیت اقتصادی او و تنظیم روابط مالی زوجین ایفا می کند. فقه اسلامی با تأکید بر استقلال مالی زن، مهریه را ملک اختصاصی و حق خالص او می داند. با این حال، در جوامع معاصر، از جمله جامعه افغانستان، مهریه در بسیاری موارد از کارکردهای اصلی و فقهی خود فاصله گرفته و گاه به عاملی برای منازعات خانوادگی، تأخیر در ازدواج، فشار اقتصادی بر زوجین و حتی تضعیف نهاد خانواده تبدیل شده است. این وضعیت نشان می دهد که چالش های کنونی مهریه، بیش از آن که ناشی از نقص در مبانی فقهی باشد، نتیجه برداشت های نادرست عرفی، افراط در تعیین مهریه و جابجایی کارکردهای شرعی آن است.

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در آن است که با تبیین جایگاه واقعی مهریه در قرآن کریم، سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و فقه حنفی، می توان زمینه بازگشت به فهم صحیح این نهاد حقوقی و اصلاح رویه های نادرست اجتماعی را فراهم ساخت. قرآن کریم با تصریح به وجوب پرداخت مهریه و تأکید بر مالکیت مستقل زن می فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (النساء: ۴) مهریه های زنان را با طیب خاطر به آنان بپردازید. این آیه به روشنی نشان می دهد که مهریه، عطیه ای واجب و حقی مستقل برای زن است و نباید به ابزار فشار یا معامله تبدیل شود.

در خصوص پیشینه تحقیق، پژوهش های متعددی در زمینه مهریه و حقوق زن در اسلام انجام شده است که بیشتر آن ها به تبیین احکام کلی مهریه یا بررسی آن از منظر حقوق موضوعه پرداخته اند.

✧ عبدالخالق شفق (۱۴۰۳) در مقاله «مهریه‌های سنگین در میان زنان افغانستان؛ عوامل، پیامدها و راه کارها» به بررسی علل و پیامدهای اجتماعی مهریه‌های سنگین در افغانستان پرداخته و راه کارهایی برای کاهش این پدیده ارائه کرده است. با وجود اهمیت این پژوهش، تمرکز آن بر ابعاد اجتماعی مسئله است و جایگاه فقهی و فلسفه تشریع مهریه، به‌ویژه از منظر فقه حنفی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

✧ اسماعیل، عبدالله بن محمد بن احمد (۲۰۲۳) در مقاله «مقسطات المهر: دراسة فقهية مقارنة» مسئله تقسیت مهریه را از دیدگاه مذاهب فقهی بررسی کرده است. این پژوهش به یکی از احکام اختصاصی مهریه پرداخته، اما تحلیل جامع کارکردها، فلسفه تشریع و چالش‌های معاصر مهریه را در بر نمی‌گیرد.

✧ ابوخشرف، تیسیر محمد (۲۰۲۲) در مقاله «أثر هلاك المهر المعین: دراسة فقهية مقارنة» آثار فقهی تلف شدن مهر معین را تحلیل کرده است. هرچند این پژوهش یکی از مسائل تخصصی مهریه را بررسی می‌کند، اما به جایگاه کلی مهریه و نقش آن در استحکام خانواده نپرداخته است.

✧ عساف و دبّیغ (۲۰۲۲) در مقاله «حقوق المرأة المالية فی ضوء مقاصد الشريعة الإسلامية» مهریه را در کنار سایر حقوق مالی زن از منظر مقاصد شریعت بررسی کرده‌اند. با وجود ارزش علمی این پژوهش، بحث مهریه به‌صورت مستقل و با تمرکز بر چالش‌های اجرایی و دیدگاه فقه حنفی تحلیل نشده است.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هر یک از آن‌ها تنها بخشی از موضوع مهریه، مانند آثار اجتماعی، احکام خاص فقهی یا حقوق مالی زن را بررسی کرده‌اند. در مقابل، پژوهش حاضر با تمرکز بر فقه حنفی، به‌صورت یکپارچه جایگاه فقهی، فلسفه تشریع، کارکردهای مهریه و چالش‌های معاصر آن را تحلیل می‌کند و از این جهت دارای وجه تمایز نسبت به مطالعات پیشین است.

هدف اصلی این مقاله، بررسی جایگاه مهریه در فقه اسلامی، تبیین فلسفه تشریع آن و تحلیل چالش‌ها و برداشت‌های معاصر مرتبط با مهریه است. پرسش اصلی پژوهش این است که مهریه در فقه

اسلامی چه جایگاهی دارد و چگونه انحراف از کارکردهای فقهی آن موجب بروز منازعات و مشکلات معاصر شده است؟

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای شامل قرآن کریم، سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وسلم، کتب معتبر فقه حنفی، تفاسیر، مقالات علمی و پژوهش‌های حقوقی استفاده شده است. در این مقاله، ابتدا به مفهوم‌شناسی مهریه و جایگاه آن در منابع شرعی پرداخته می‌شود؛ سپس فلسفه تشریع، انواع مهریه و تأثیر آن بر صحت عقد نکاح بررسی می‌گردد. در ادامه، چالش‌ها و برداشت‌های معاصر تحلیل شده و راه کارهای فقه حنفی برای جلوگیری از سوءاستفاده از مهریه و کاهش منازعات خانوادگی تبیین می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهریه در فقه حنفی، نهادی عادلانه، کرامت‌محور و منعطف است و بازگشت به مبانی فقهی آن می‌تواند نقش مؤثری در تحکیم نهاد خانواده، کاهش اختلافات خانوادگی و تأمین عدالت در روابط زوجین در جامعه افغانستان ایفا کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲.۱. تعریف لغوی مهریه

مهر به معنای *صداق* است و جمع آن *مهور* می‌باشد. گفته می‌شود: *مَهَرُ الْمَرْأَةِ يَمَهِّرُهَا وَيَمَهِّرُهَا مَهْرًا*؛ یعنی برای زن مهر قرار داد، و *أَمَهَّرَهَا*، یعنی مهر او را تعیین کرد یا به او مهر پرداخت. در حدیث مربوط به *أُمِّ حَبِيبَةَ* آمده است: *«وَأَمَهَّرَهَا النَّجَّاشِيُّ مِنْ عِنْدِهِ»*؛ یعنی نجاشی مهر او را از مال خود پرداخت و مهرش را به او داد، و این همان *صداق* است (ابن منظور، ۲۰۰۳، ص ۱۴۳).

واژه «*صداق*» یعنی مالی که به سبب عقد نکاح بر عهده شوهر قرار می‌گیرد و در برابر تملک *عصمت* زن (حق زوجیت) پرداخت می‌شود. تلفظ «*صاد*» با فتحه (*صداق*) فصیح تر از کسره است. به آن *صَدُقَةٌ* نیز گفته می‌شود؛ با ضم دال یا فتح آن. خداوند متعال می‌فرماید: *«وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ»* این واژه از ریشه صدق گرفته شده است؛ زیرا دلالت بر صداقت زن و مرد در پابندی به حکم شرع دارد. هم‌چنین *صداق* را مهر می‌نامند و نیز به نام‌های *طُول* (با فتح طاء)، *أُجْرَت*، *نَفَقَه* و *نَحْلَه* (با کسر نون و سکون حاء مهمله) نیز از آن یاد می‌شود (علیش، ۱۴۰۹ق، ص ۴۱۵).

۲.۲. تعریف اصطلاحی مهریه

مهریه در اصطلاح شرعی، مالی است که به موجب عقد نکاح به زن تعلق می‌گیرد و زن مالک آن می‌شود این مال باید معین، قابل تملک و غیرمتعلق به دیگری باشد. مطابق قواعد فقهی، زن از لحظه انعقاد عقد نکاح مالک مهریه می‌گردد و حق هرگونه تصرف در آن را دارد (جهیر، ۱۳۹۹، ص ۱۳).

وهبه زحیلی در تعریف مهریه می‌نویسد: «المهر: هو المال الذي تستحقه الزوجة على زوجها بالعقد عليها أو بالدخول بها حقيقة» مهریه مالی است که زن به سبب عقد نکاح بر عهده شوهر یا به واسطه تحقق واقعی دخول، مستحق آن می‌گردد (زحیلی، ۱۴۰۵، ص ۲۵۱).

۳. مهریه در قرآن کریم

۳.۱. وجوب مهریه

مهریه در شریعت اسلامی از حقوق مالی واجب زن به شمار می‌رود که با عقد نکاح بر ذمه شوهر ثابت می‌گردد. مشروعیت و وجوب آن به نصوص صریح قرآن کریم و سنت نبوی ثابت است؛ چنان‌که الله متعال می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا» (نساء، ۴).

مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای الهی پردازید. پس اگر (زنان) با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما (مردان) بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا بخورید (و مصرف کنید) این آیه مبارکه شوهران را مأمور کرده است تا مهر زنان شان را با طیب نفس پرداخت نمایند.

مخاطب این دستور شوهر هم است که او مهریه همسر خود را به خود او بدهد و به دیگران ندهد و اولیای دختران نیز مخاطب هستند که اگر آنان مهریه دختران را دریافت کرده‌اند آن را به خودشان بدهند، بدون اجازه آن‌ها در آن هیچ گونه تصرفی نمایند. خلاصه این که در آیه چنین تعلیم داده شده که مهریه زنان حق واجب آن‌هاست و اداء آن لازم و ضروری است و هم چنان که ادای حقوق دیگران با طیب خاطر ضروری است و ادای مهریه نیز همین گونه است (عثمانی، ۱۳۹۲، ص ۳۶۵).

۳.۲. مالکیت زن بر مهریه

در فقه اسلامی، مهریه ملک خالص زن شمرده می‌شود و به مجرد انعقاد نکاح، حق مطالبه آن برای زن ثابت می‌گردد. هیچ شخصی، حتی شوهر یا اولیای زن، در آن حق تصرف بدون رضایت او را ندارند. قرآن کریم بر این حق تأکید نموده و می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء: ۴)، که بیان‌گر اختصاص مهریه به زن است. فقهای اسلامی نیز تصریح کرده‌اند که زن می‌تواند در مهریه خود هرگونه تصرف مشروع، مانند نگه‌داری، بخشش یا انتقال، انجام دهد؛ زیرا این مال به‌طور کامل در ملکیت او قرار دارد.

زن می‌تواند به اختیار خود و بدون هیچ جبر و اکراهی تمام مهریه و یا بخشی از آن را برای شوهر خویش ببخشد. در این باره به ادامه آیه قبلی توجه فرمایید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (نساء: ۴) و مهریه‌های زنان را به عنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای الهی بپردازید. پس اگر (زنان) با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما (مردان) بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا بخورید (و مصرف کنید).

۳.۳. عدم تأثیر تعیین نشدن مهریه بر صحت عقد

اگر در زمان عقد مهریه‌ای برای زن تعیین نشد عقد نکاح آن درست است، ولی مهر مثل لازم می‌شود، اما اگر شوهر قبل از جماع آن زن را طلاق داد در این صورت زن؛ مهریه‌ای ندارد ولی سامان و هدیه‌ای به او داده می‌شود در این باره دو آیه زیر وضاحت دارد: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمَقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۲۳۶) اگر زنان را قبل از جماع (آمیزش جنسی) و تعیین مهر (به عللی) طلاق دادید، گناهی بر شما نیست (و در این موقع) آنان را (با هدیه‌ای مناسب حال خود) بهره‌مند سازید. آن کس که توانائی (مالی) دارد، و آن کس که توانائی (مالی) ندارد، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته بپردازد و این (پرداخت هدیه) بر نیکوکاران الزامی است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (أحزاب: ۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان مؤمنه ازدواج کردید و پیش از

هم بستری و جماع با ایشان، آنان را طلاق دادید، برای شما عده‌ای بر آنان نیست تا حساب آن را نگاه دارید. ایشان را از هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و به گونه محترمانه و زیبایی آنان را آزاد و رها سازید.

۴. مهریه در سنت نبوی

۴.۱. مشروعیت و الزام مهریه

مهریه حق زن است و نباید در این باره به او ظلم شود و یا حقش خورده شود و باید کاملاً به او پرداخت شود. در این باره به حدیث زیر توجه فرمایید: «عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَقُّ الشُّرُوطِ أَنْ تُؤْفُوا بِهِ مَا اسْتَحَلَّتُمْ بِهِ الْفُرُوجَ» (بخاری، ۱۴۲۲ ق: ج ۳، ص ۱۹۰) از عقبه بن عامر رضی الله عنه روایت است که؛ رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: حق‌دارترین شروطی که باید به آن‌ها وفا شده و کاملاً پرداخت شود شرط‌هایی است که با آن شرم‌گاه‌های (زنان) را برایتان حلال نموده‌اید (یعنی شروط زمان ازدواج از قبیل مهریه و دیگر شروط شرعی و مجاز).

۴.۲. استحباب کاهش مهریه

در اسلام مهریه زیاد دلیل خوبی نیست بلکه بر عکس مهریه اندک دلیل خوبی است، در این باره به چند حدیث زیر توجه فرمایید:

(۱) عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «خَيْرُهُنَّ أَيْسَرُهُنَّ صِدَاقًا» (ابن حبان، ۱۴۱۴ ق: ج ۹، ص ۳۴۲) بهترین زنان، زنانی هستند که مهریه آنان آسان‌تر و سبک‌تر باشد.

(۲) «عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَسِيرَ خَطْبَتِهَا وَتَسِيرَ صَدَاقُهَا وَتَسِيرَ رَحِمُهَا» (احمد بن حنبل، ۱۴۱۴ ق: ج ۶، ص ۷۷) حضرت عایشه رضی الله عنها روایت نموده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: خوبی زن در خواستگاری آسانش و کمی مهریه‌اش و آسانی رحمش است. یعنی: یمن و خوبی زن در این است که زمانی که مردی برای خواستگاریش می‌رود سخت‌گیری نکند و مهریه‌اش را اندک و کم کند و زنی زایا باشد.

(۳) «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ نَظَرْتَ إِلَيْهَا فَإِنَّ فِي عْيُونِ الْأَنْصَارِ شَيْئًا قَالَ قَدْ نَظَرْتُ

إِيَّهَا قَالَ عَلَىٰ كَمْ تَزَوَّجْتَهَا قَالَ عَلَىٰ أَرْبَعٍ أَوْاقٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَىٰ أَرْبَعٍ أَوْاقٍ كَأَنَّمَا تَنْحِتُونَ الْفِضَّةَ مِنْ عُرْضِ هَذَا الْجَبَلِ مَا عِنْدَنَا مَا نَعْطِيكَ وَلَكِنْ عَسَىٰ أَنْ نُبْعَثَكَ فِي بُعْثٍ تُصِيبُ مِنْهُ قَالَ فَبَعَثَ بَعْثًا إِلَىٰ بَنِي عَبْسٍ بَعَثَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فِيهِمْ» (مسلم، ۲۰۱۰ م: ج ۲، ص ۱۰۴). ابوهريه رضی الله عنه می‌فرماید مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت: من با زن انصاری ازدواج نموده‌ام، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برایش گفت: آیا او را دیده و به او نگاه کرده‌ای؟ زیرا در چشمان انصاری چیزی هست، (آن مرد) گفت: او را دیده و نگاه نموده‌ام رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: بر چه مقدار مهریه‌ای با او ازدواج نموده‌ای؟ (آن مرد) گفت: بر چهار اوقیه (یعنی: یک صد و شصت درهم) پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به آن مرد گفت: (مهریه‌ها را آن قدر زیاد می‌کنید) که گویا از پهنای این کوه نقره می‌کنید، ما چیزی نداریم که به تو بدهیم (تا مهریه خانمت را بدهی) ولی شاید که تو را در گروه‌های جهادی فرستادیم تا از مال غنیمت چیزی گیرت کند (راوی می‌گوید) سپس رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم گروهی را به سوی بنی عبس فرستاد آن فرد را نیز با آن‌ها فرستاد.

(۴) « قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ أَلَا لَا تَغْلُوا صُدُقَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ مَكْرُمَةً وَفِي الدُّنْيَا أَوْ تَقَوَّىٰ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ أَوْلَاكُمْ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَصْدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امْرَأَةً مِنْ نِسَائِهِ وَلَا أَصْدَقَتْ امْرَأَةً مِنْ بَنَاتِهِ أَكْثَرَ مِنْ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ أَوْقِيَةً وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُغْلِي بِصَدَقَةِ امْرَأَتِهِ حَتَّىٰ يَكُونَ لَهَا عِدَاوَةٌ فِي نَفْسِهِ وَحَتَّىٰ يَقُولَ كُلُّفْتُ لَكُمْ عِلْقَ الْقَرْبَةِ» (نسائی، ۱۴۱۴ ق: ج ۶، ص ۱۱۸). حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند: خبر دار در مهریه‌های زنان زیاد روی نکنید و مهریه‌های سنگین تعیین نکنید زیرا اگر این کار شرافتی در دنیا و یا نشانی پرهیزگاری در نزد الله عزوجل می‌بود پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مستحق ترینتان می‌بود تا به این کار عمل کند و در حالی که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم برای هیچ یک از زنانش و هم چنین برای هیچ یک از دخترانش از دوازه اوقیه (یعنی: چهار صد و هشتاد درهم نقره) مهریه بیشتر تعیین ننموده‌اند، همانا گاهی مهریه زن فردی آن قدر زیاد می‌باشد که باعث دشمنی با خانمش می‌گردد و تا

این که آن شوهر می گوید: من (برای فراهم نمودن مهریه) هر مشکلی بدوش کشیدم تا این که همانند که از دهان مشک آب می ریزد از من عرق ریخته است.

۵. فلسفه تشریح مهریه از دیدگاه فقه اسلامی

فقه اسلامی در تشریح احکام خانواده، تنها به جنبه عبادی اکتفا نکرده، بلکه اهداف عقلانی، اجتماعی و اقتصادی را نیز مورد توجه قرار داده است. مهریه به عنوان یکی از آثار مالی عقد نکاح، در فقه اسلامی جایگاهی ویژه دارد و تشریح آن مبتنی بر حکمت ها و مقاصد روشنی است. فقها با استناد به قرآن، سنت و آثار صحابه، مهریه را نهادی حکیمانه می داند که فلسفه آن فراتر از یک تعهد مالی ساده است که در این جا چند مورد از فلسفه تشریح مهریه را به طور نمونه بیان می داریم.

۵.۱. تکریم و تعظیم جایگاه زن

نخستین و مهم ترین فلسفه تشریح مهریه در فقه اسلامی، تکریم زن و اظهار احترام به شخصیت حقوقی او است. مهریه در این دیدگاه نه قیمت زن است و نه عوض تمکین، بلکه نشان های از جدیت مرد در پیمان زناشویی است.

زحیلی در کتاب خود (الفقه الإسلامی وأدلته) می نویسد: «الحکمة من وجوب المهر هو إظهار خطر هذا العقد ومكانته، وإعزاز المرأة وإكرامها، وتقديم الدليل على بناء حياة زوجية كريمة معها، وتوفير حسن النية على قصد معاشرتها بالمعروف، ودوام الزواج. وفيه تمكين المرأة من التهيؤ للزواج بما يلزم لها من لباس ونفقة» (زحیلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۷، ص ۲۵۳). حکمت واجب بودن مهریه، اظهار اهمیت و جایگاه این عقد است و نیز بزرگداشت و تکریم زن، و ارائه دلیلی بر قصد تشکیل زندگی زناشویی شرافتمندانه با او، و نشان دادن حسن نیت نسبت به معاشرت نیکو و تداوم ازدواج. هم چنین، مهریه وسیله ای است برای توانمندسازی زن تا خود را برای ازدواج با آن چه از پوشاک و نفقه بدان نیاز دارد، آماده سازد. بر این اساس، پرداخت مهریه بیان گر آن است که زن در نکاح، طرف محترم عقد است، نه موضوع معامله.

۵.۲. تمایز نکاح مشروع از روابط نامشروع

از دیدگاه فقه اسلامی، مهریه یکی از ابزارهای تمایز نکاح صحیح از روابط غیرشرعی است. وجود تعهد مالی مشخص، نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری مرد و خروج رابطه از حالت بی‌قید است.

امام دهلوی (رح) در کتاب حجت البالغة خویش می‌نویسد: «من الأمر الذی یتّیّم به النکاح من السفاح التوطین علی المعاونۃ الدائمۃ، وإن کان الأصل فیہ قطع المنازعۃ فیها علی أعین الناس. وکانوا لا یناکحون إلا بصدق لأمر بعثتهم علی ذلک، وکان فیہ مصالح منها أن النکاح لا تتم فائدته إلا بأن یوطن کل واحد نفسه علی المعاونۃ الدائمۃ، ویتحقّق ذلک من جانب المرأة بزوال أمرها من یدها، ولا جائز أن یشرع زوال أمره أيضاً من یده وإلا انسد باب الطلاق، وکان أسیراً فی یدها کما أنّها عانیة بیده، وکان الأصل أن یكونوا قوامین علی النساء، ولا جائز أن یجعل أمرهما إلی القضاء؛ فان مراجعۃ القضية إلیهم فیها حرج، وهم لا یعرفون ما یعرف هو من خاصۃ أمره، فتعین أن یكون بین عینیہ خسارۃ مال إن أراد فک النظم ثلثا یجترئ علی ذلک إلا عند حاجۃ لا یجد منها بدا، فکان هذا نوعاً من التوطین. وأیضاً لا یظهر الاهتمام بالنکاح إلا بمال یكون عوض البضع، فإن الناس لما تشاحوا بالأموال شحا لم یتشاحوا به فی غیرها کان الاهتمام لا یتّم إلا بذلّها، وبالاهتمام تقر أعین الأولیاء حین یتملک هو فلذۃ أكبادهم، وبه یتحقّق التمیّز بین النکاح والسفاح، وهو قوله تعالی: «أَن تبتغوا بأموالکم محصنین غیر مسافحین» فلذلک أبقی النبی صلی الله علیه وسلم وجوب المهر کما کان» (دهلوی، ۱۴۲۶ ق: ج ۲، ص ۱۹۸).

از جمله اموری که نکاح را از سفاح (زنا) متمایز می‌سازد، تعهد و التزام به هم‌کاری و هم‌یاری دائمی است، هرچند اصل در آن، پایان‌دادن به منازعه و اختلاف در منظر عمومی مردم می‌باشد. پیشینیان تنها با تعیین صداق (مهریه) ازدواج می‌کردند، به دلایلی که آنان را به این امر وامی‌داشت و در آن مصالحی نهفته بود؛ از جمله این که فایده حقیقی نکاح جز با آن تحقق نمی‌یابد که هر یک از زوجین خود را بر هم‌کاری پایدار ملتزم سازد. تحقق این معنا از سوی زن، با خروج اختیار او از دست خودش صورت می‌گیرد، و جایز نیست که اختیار مرد نیز به کلی از دست او خارج شود؛ زیرا در این صورت، باب طلاق بسته می‌شود و مرد اسیر زن می‌گردد، همان‌گونه که زن در اختیار مرد است. حال

آن که اصل بر این است که مردان قیّم و سرپرست زنان باشند و نیز جایز نیست که امر جدایی آنان به قضا و محکمه واگذار شود؛ زیرا مراجعه به قضا در این امور همراه با حرج است و قاضی از آن چه مرد از امور خصوصی خود می داند، آگاه نیست. از این رو لازم بود که در برابر چشم مرد، خسارت مالی قرار داده شود تا اگر قصد گسستن پیوند نکاح را داشت، جز در حالت ضرورت ناگزیر، بر آن جرأت نکند؛ و این خود نوعی از ایجاد تعهد و التزام است. افزون بر این، اهتمام و توجه واقعی به نکاح جز با بذل مال آشکار نمی گردد؛ زیرا مردم در اموال بیش از هر چیز دیگری سخت گیر و بخیل اند و از همین رو، اهتمام واقعی جز با پرداخت مال تحقق نمی یابد. به واسطه این اهتمام، دل های اولیای زن آرام می گیرد، آنگاه که مرد اختیار پاره های تن آنان را به دست می گیرد. هم چنین بدین وسیله، تمایز میان نکاح و سفاح محقق می شود؛ چنان که خداوند متعال فرمود: «أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» از همین رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم وجوب مهریه را همان گونه که پیش از آن بود، تثبیت و برقرار فرمود.

۶. انواع مهریه

فقه اسلامی با نگاه نظام مند به نهاد مهریه، آن را به دو قسم دانسته است که هر یک آثار فقهی و حقوقی خاص خود را دارند. این تقسیم بندی ها با هدف تنظیم دقیق تعهدات مالی زوجین و رفع اختلافات احتمالی صورت گرفته است. مهم ترین اقسام مهریه در فقه اسلامی عبارت اند از: مهر مسمی و مهر المثل.

۶.۱. مهر مسمی

مهر مسمی مهریه ای است که مقدار و نوع آن به طور مشخص در هنگام عقد نکاح تعیین و بر آن تراضی شود، خواه نقدی باشد یا غیرنقدی.

زحیلی در تعریف مهر مسمی می نویسد: « الْمَهْرُ الْمُسَمَّى: فَهُوَ مَا سُمِّيَ فِي الْعَقْدِ أَوْ بَعْدَهُ بِالتَّرَاضِي، بِأَنْ تُتَّفَقَ عَلَيْهِ صِرَاحَةً فِي الْعَقْدِ، أَوْ فُرِضَ لِلزَّوْجَةِ بَعْدَهُ بِالتَّرَاضِي، أَوْ قَرَضَهُ الْحَاكِمُ » (زحیلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۷، ص ۲۶۵). مهر مسمی مهریه ای است که در هنگام عقد یا پس از آن با رضایت طرفین تعیین

می‌شود؛ خواه به صورت صریح در متن عقد بر آن توافق شده باشد، یا پس از عقد با تراضی برای زن مقرر گردد، و یا آن‌که در صورت اختلاف، حاکم آن را تعیین نماید.

حکم فقهی مهر مسمی:

- ✧ مهر مسمی در صورت صحت عقد لازم الاجراست.
- ✧ با تحقق دخول یا خلوت صحیح، تمام آن واجب می‌شود.
- ✧ در صورت طلاق قبل از دخول، نصف مهر مسمی واجب است.

۶.۲. مهر المثل

مهر المثل مهریه‌ای است که در صورت عدم تعیین مهر در عقد، یا فساد مهر مسمی، برای زن ثابت می‌شود و معیار آن، مهریه زنان هم‌شأن اوست از جهت نسب پدری: «و مهر مثلها یعتبر بأخواتها و عماتها و بنات أعمامها» (ابن همام، ۱۴۲۴ ق: ج ۳، ص ۳۵۰). و مهر مثل او بر اساس مهر خواهرانش، عمه‌هایش و دخترعموهایش سنجیده می‌شود.

زحیلی در تعریف مهر مثل می‌نویسد: «فقد حَدَّدَهُ الْحَنْفِيَّةُ: بِأَنَّهُ مَهْرُ امْرَأَةٍ تَمَازِلُ الزَّوْجَةَ وَقْتَ الْعَقْدِ مِنْ جِهَةِ أَبِيهَا، لَا أُمِّهَا إِنْ لَمْ تَكُنْ مِنْ قَوْمِ أَبِيهَا، كَأَخْتِهَا وَعَمَّتِهَا وَبَنَاتِ عَمِّهَا، فِي بِلَادِهَا وَعَصْرِهَا. إِنْ رَاقَتْ تَرْجُمَةُ كُنْ» (زحیلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۷، ص ۲۶۵). فقهای حنفی آن را چنین تعیین کرده‌اند: بدان معنا که مهریه یک زن، همانند مهریه زن مورد نظر، در زمان عقد، از جهت پدری اوست نه از جهت مادرش؛ اگر (مادرش) از قوم پدری او نباشد، مانند خواهرش، عمه‌اش و دخترعمویش، در شهر و زمان او.

- موارد وجوب مهر المثل

مهر المثل در موارد زیر واجب می‌شود:

- ✧ عدم ذکر مهریه در عقد؛
- ✧ فساد مهر مسمی (مانند تعیین مال نامشروع)؛
- ✧ وقوع دخول یا خلوت صحیح.

- معیار تعیین مهر المثل

در تعیین مهر المثل به موارد زیر توجه می‌شود:

✧ مهریه زنان هم نسب از جهت پدر مانند (خواهر، عمه، دختر کاکا)،

✧ سن، زیبایی، عقل، دیانت،

✧ موقعیت اجتماعی و عرف محل.

۷. مهریه و تأثیر آن بر صحت عقد نکاح

مهریه (صداق) یکی از آثار مالی مهم عقد نکاح در فقه اسلامی است؛ با این حال، جایگاه آن از حیث تأثیر بر صحت عقد همواره مورد توجه فقها بوده است. فقه اسلامی با تفکیک دقیق میان ارکان عقد نکاح و آثار مترتب بر آن، مهریه را از لوازم عقد دانسته، نه از ارکان یا شرایط صحت آن. بدین معنا که تحقق عقد نکاح صحیح، متوقف بر تعیین یا ذکر مهریه نیست. این دیدگاه مبتنی بر نصوص قرآنی، سنت نبوی و استدلال‌های معتبر فقهی است.

✧ عدم شرطیت مهریه در صحت عقد نکاح

از دیدگاه فقه اسلامی، ذکر مهریه شرط صحت عقد نکاح نیست و عقد بدون تعیین مهریه نیز صحیح و نافذ است. دلیل اصلی این حکم، آیات صریح قرآن کریم است: «لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا كُم مَّمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرَّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً» (البقره: ۲۳۶). بر شما گناهی نیست اگر زنان را پیش از آن که با آنان نزدیکی کنید یا مهریه‌ای برای آنان تعیین نمایید، طلاق دهید.

فقه‌های اسلامی از این آیه چنین استنباط کرده‌اند که؛ نکاح بدون تعیین مهریه قابل تصور و صحیح است؛ زیرا قرآن کریم از طلاق چنین نکاحی سخن گفته و آن را معتبر دانسته است؛ و طلاق فرع بر صحت نکاح است.

امام ابن نجیم رحمه الله علیه می‌نویسد: «فقد حكم بصحة الطلاق مع عدم التسمية ولا يكون الطلاق إلا في النكاح الصحيح فعلم أن ترك التسمية لا يمنع صحة النكاح» (ابن نجیم، ۱۴۱۸ ق: ج ۳، ص ۲۴۹). پس به صحت طلاق در صورت عدم تعیین (مهر) حکم شده است، و طلاق جز در نکاح صحیح تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین روشن می‌شود که ترک تعیین مهر مانع صحت نکاح نیست.

و نیز امام سرخسی رحمه الله علیه تصریح می‌کند: «وعقد النكاح بغير تسمية المهر جائز، ولها مهر مثلها من نسائها لا وكس، ولا شطط إن دخل بها أو مات عنها» (سرخسی، ۱۴۰۹ ق: ج ۵، ص ۶۳). عقد

نکاح بدون تعیین مهر جایز است، و در این صورت زن مستحق مهر مثل خود بر اساس مهر زنان هم‌شأن و هم‌رتبه‌اش خواهد بود؛ "نه کمتر از حد متعارف و نه بیش از اندازه" و این حکم در صورتی است که شوهر با او نزدیکی کند یا پیش از تعیین مهر، از دنیا برود.

✽ وجوب مهر مثل پس از انعقاد عقد نکاح در صورت عدم تعیین مهر

در فقه اسلامی، اصل بر آن است که ذکر مهر شرط صحت عقد نکاح نیست؛ از این رو عقد نکاح بدون تعیین مهر نیز صحیح و نافذ شمرده می‌شود. با این حال، شارع مقدس برای حفظ حقوق مالی زن و تکریم جایگاه او، در صورت عدم تسمیه مهر، حکم به ثبوت «مهر مثل» داده است. بدین معنا که پس از انعقاد عقد، هرگاه میان زوجین نزدیکی واقع شود یا یکی از آن دو (شوهر) پیش از تعیین مهر فوت کند، زن مستحق مهری خواهد بود که از حیث مقدار و اوصاف، متناسب با مهر زنان هم‌شأن و هم‌رتبه او در خانواده و محیط اجتماعی‌اش باشد، بدون افراط یا تفریط. این حکم، بیان‌گر آن است که هرچند مهر رکن عقد نکاح نیست، اما حقی مالی و الزام‌آور برای زن به‌شمار می‌رود که پس از تحقق عقد، بر ذمه شوهر ثابت می‌گردد.

امام ابن عابدین رحمه الله علیه در این مورد می‌نویسد: «و کذا یجب (مهر المثل) فیما إذا لم یسم مهرًا أو نفی إن وطئ الزوج أو مات عنها إذا لم یتراضیا علی شیء یصلح مهرًا وإلا فذلک الشیء هو الواجب، أو سمی خمراً أو خنزیراً أو هذا العبد وهو حر أو هذا العبد وهو حر لتعذر التسلیم أو دابةً أو ثوباً أو داراً و لم یبین جنسها لفحش الجهل» (ابن عابدین، ۱۴۱۲ ق: ج ۳، ص ۱۰۹). هم‌چنین مهر مثل واجب می‌شود در مواردی که مهر تعیین نشده باشد یا اساساً مهر نفی شده باشد، هرگاه شوهر با زن نزدیکی کند یا پیش از تعیین مهر، زن از او جدا شود (بر اثر وفات شوهر)، مشروط بر آن که طرفین بر چیزی که صلاحیت مهر بودن داشته باشد با یک‌دیگر تراضی نکرده باشند؛ وگرنه همان چیزی که بر آن تراضی کرده‌اند واجب خواهد بود. و نیز مهر مثل واجب می‌شود در صورتی که مهر چیزهایی نامشروع یا غیرقابل تسلیم قرار داده شده باشد؛ مانند آن که شراب یا خوک به‌عنوان مهر تعیین شود، یا بگوید: «این برده» در حالی که آزاد است، به سبب تعذر تسلیم؛ یا حیوان، لباس یا خانه‌هایی را به‌عنوان مهر معین کند بدون آن که نوع و جنس آن مشخص شده باشد، به دلیل جهل فاحش.

۸. تأثیر مهریه بر حقوق زنان

مهریه (صداق) یکی از حقوق مالی مسلم و تثبیت شده زن در نظام حقوق خانواده اسلامی است که به سبب انعقاد عقد نکاح صحیح برای او ثابت می گردد. فقه اسلامی، به ویژه فقه حنفی، با تأکید بر اصل استقلال مالی زن، مهریه را ملک اختصاصی و حق خالص او می داند؛ به گونه ای که زن پس از عقد، بدون نیاز به اذن یا رضایت شوهر، اختیار کامل در هرگونه تصرف مشروع در آن دارد. این اصل به صراحت در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (النساء: ۴) و مهریه های زنان را با طیب خاطر و به عنوان بخشی واجب به آنان پردازید.

فقه های اسلامی با استناد به اضافه شدن «صَدُقَاتِهِنَّ» به ضمیر زنان، این آیه را دلیل صریح بر مالکیت مستقل زن دانسته اند: «إِضَافَةُ جَمِيعِ الصَّدَاقِ إِلَيْهِنَّ، فَاقْتَضَى أَنْ يَكُونَ لِمَلِكٍ جَمِيعَهُ لِهِنَّ» (ماوردی، ۱۴۱۹ ق: ج ۹، ص ۴۱۹). افزودن تمام مهریه به آنان، اقتضا می کند که مالکیت کامل آن به طور تمام به خود آنان تعلق داشته باشد. بر این اساس، در این بخش مهم ترین انواع حقوق و تصرفات زن در مهریه از منظر فقه اسلامی، در سه محور اساسی بررسی می شود: نگه داشتن مهریه، بخشش آن، و سرمایه گذاری یا بهره برداری اقتصادی از آن.

۸.۱. نگه داشتن مهریه و حق امساک

نخستین و بدیهی ترین نوع تصرف زن در مهریه، نگه داشتن و حفظ آن به عنوان مال شخصی است. از دیدگاه فقه اسلامی، زن به محض انعقاد عقد نکاح، مالک مهریه می شود و هیچ الزامی برای مصرف یا واگذاری آن ندارد. مهریه نه نفقه است و نه مال مشترک زوجین، بلکه دارایی مستقل زن به شمار می آید.

زحیلی تصریح می کند: «فَهُوَ حَقُّ الْمَرْأَةِ، فَيَكُونُ مِلْكًا خَالِصًا لَهَا لَا يُشَارِكُهَا فِيهِ أَحَدٌ، فَلَهَا أَنْ تَتَصَرَّفَ فِيهِ كَمَا تَتَصَرَّفُ فِي سَائِرِ أَمْوَالِهَا مَتَى كَانَتْ أَهْلًا لِلتَّصَرُّفِ، فَلَهَا حَقُّ إِبْرَاءِ الزَّوْجِ مِنْهُ أَوْ هَبِّهِ لَهُ» (زحیلی، ۱۴۰۵ ق: ج ۷، ص ۲۶۵). پس مهر حق زن است و ملک خالص او به شمار می رود که هیچ کس در آن با او شریک نیست؛ از این رو، هرگاه اهل تصرف باشد، حق دارد در آن همان گونه

تصرف کند که در دیگر اموالش تصرف می کند، و می تواند شوهر را از آن برای الذمه سازد یا آن را به وی ببخشد.

۸.۲. بخشش مهریه (هبه یا ابراء)

دومین نوع تصرف، بخشش تمام یا بخشی از مهریه از سوی زن است. فقه اسلامی این تصرف را مشروع و نافذ می داند، مشروط بر آن که با رضایت کامل و بدون اکراه صورت گیرد. قرآن کریم در ادامه آیه مهریه می فرماید: «فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا» (النساء: ۴) و اگر زنان از روی رضایت قلبی، چیزی از مهریه خود را به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا بخورید.

ابوبکر جصاص در تبیین این آیه می گوید: «فإنه یعنی: "عن المهر"؛ لما أمرهم بإيتائهن صدقاتهن؛ عقبه بذکر جواز قبول إبرائها؛ وهبتها له؛ لئلا يظن أن عليه إيتاءها مهرها؛ وإن طابت نفسها بترکه» (جصاص، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۳۵۱). زیرا مقصود از آن «درباره مهریه» است؛ چون خداوند آنان را به پرداخت مهریه های زنان فرمان داد، بلافاصله جواز پذیرفتن ابراء زن و بخشیدن آن به شوهر را یاد کرد، تا چنین پنداشته نشود که مرد مکلف است مهریه را بپردازد، هرچند زن با رضایت دل خود از آن صرف نظر کرده باشد.

۸.۳. سرمایه گذاری و بهره برداری اقتصادی از مهریه

سومین محور تصرف، استثمار اقتصادی و سرمایه گذاری مهریه است. از منظر فقه اسلامی، زن همانند هر مالک دیگر، حق دارد مهریه خود را در فعالیت های مشروع اقتصادی به کار گیرد. قاعده کلی در اسلام آن است که مرد و زن در اهلیت تملک و تصرف مالی از قبیل خرید و فروش، اجاره و رهن با یکدیگر برابرند. زن می تواند این قراردادهای مالی را شخصاً انجام دهد، خواه باکره باشد یا متأهل. بر زن عاقل و رشید، هیچ گونه ولایت الزام آور مالی از سوی هیچ یک از مردان خویشاوند او ثابت نیست؛ مگر در حد مشورت و راه نمایی از سوی اطرافیان، مانند پدر، شوهر، پسر یا برادر.

زن می تواند اموال خود را از طریق وکیل اداره کند و شوهر در این زمینه هیچ گونه سلطه ای بر او ندارد، مگر آن که زن به او وکالت داده باشد. این وکالت نیز کاملاً اختیاری است و زن هر زمان که بخواهد می تواند آن را فسخ یا از آن رجوع کند. هم چنین اموال زن و شوهر با یکدیگر حالت شرکت

مالی ندارد، بلکه هر یک به طور مستقل حق تصرف در اموال خود را دارد و هیچ کدام حق دخالت در مال دیگری را ندارد، مگر با رضایت و طیب خاطر طرف مقابل؛ زیرا عقد ازدواج، عقدی شخصی است نه عقدی مالی.

دلیل جواز خرید و فروش و انجام سایر معاملات مباح برای زن همانند مرد عموم آیات قرآن کریم است؛ از جمله فرموده خداوند متعال: «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره/۲۷۵)، و نیز: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء: ۲۹)، و هم چنین: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ» (بقره: ۲۸۲). این آیات و دیگر نصوص شرعی، اطلاق داشته و شامل مردان و زنان به طور یکسان می شود. هم چنین در صدر اسلام، زنان با رعایت ضوابط شرعی مذکور در کتب فقهی از قبیل حفظ حیا، حجاب و پرهیز از تبرج و خودنمایی، به خرید و فروش و فعالیت های اقتصادی مشروع می پرداختند.

۹. چالش ها و برداشت های معاصر درباره مهریه

مهریه در فقه اسلامی نهادی حقوقی، مالی و حمایتی است که با هدف تکریم زن، تأمین امنیت اقتصادی وی و تحکیم روابط خانوادگی تشریع شده است. با این حال، در جوامع معاصر این نهاد تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز برداشت های نادرست از فلسفه تشریع آن، با چالش های متعددی روبه رو شده است. بخش عمده این چالش ها نه ناشی از حکم شرعی مهریه، بلکه نتیجه فاصله گرفتن از مقاصد شریعت و غلبه عرف های نادرست بر معیارهای فقه اسلامی است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۶۳۷).

۹.۱. افزایش مهریه های نامتعارف

یکی از مهم ترین چالش های معاصر، تعیین مهریه های سنگین و خارج از توان مالی زوج است. هر چند در فقه اسلامی برای مهریه سقف معینی تعیین نشده است، اما فقها همواره بر اصل اعتدال، آسان گیری و پرهیز از تکلف تأکید کرده اند. مهریه های سنگین نه تنها موجب دشوار شدن ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش گرایش جوانان به تشکیل خانواده می شود، بلکه در بسیاری از موارد زمینه ساز اختلافات خانوادگی، دعاوی قضایی و تضعیف بنیان خانواده نیز می گردد؛ امری که با مقاصد شریعت

در تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده ناسازگار است (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۶۴۲).

در این زمینه، حضرت عمر رضی الله عنه فرمود:

«ألا لا تغالوا صدقة النساء فأنها لو كانت مكرمة في الدنيا أو تقوى عند الله لكان أولاكم بها رسول الله صلى الله عليه وسلم...» (ترمذی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۲۳).

این روایت بیان گر آن است که ارزش و کرامت زن به سنگینی مهریه وابسته نیست، بلکه معیار برتری، تقوا، حسن معاشرت و رعایت حقوق متقابل زوجین است. هم چنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«إن أعظم النساء بركة أيسرهن مؤونة» (حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۴۰، ص ۳۹۵).

این حدیث به روشنی نشان می دهد که برکت زندگی مشترک در سهولت ازدواج و اعتدال در هزینه های آن، از جمله مهریه، نهفته است.

۹.۲. فاصله گرفتن از فلسفه تشریع مهریه

از دیگر چالش های معاصر، تغییر کارکرد مهریه از یک حق مالی حمایتی به ابزاری برای معامله، رقابت های اجتماعی یا تضمین دوام زندگی مشترک است. در حالی که فقه اسلامی، مهریه را نشانه تکریم زن و حق مالی مستقل او می داند، در برخی جوامع امروزی تعیین مهریه بیش از آن که بر مبانی شرعی استوار باشد، متأثر از جایگاه اقتصادی، منزلت اجتماعی و رقابت های خانوادگی است. این رویکرد، فلسفه اصلی تشریع مهریه را که ایجاد مودت، رحمت و امنیت اقتصادی برای زن است، تحت الشعاع قرار می دهد (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۷۴).

فقهای حنفی تصریح کرده اند که مهریه عوض شخصیت زن یا بهای عقد نکاح نیست، بلکه مالی است که شارع برای تکریم و احترام به زن مقرر ساخته است (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۶۳). بنابراین، تبدیل مهریه به وسیله فشار، انتقام یا امتیازطلبی، با روح شریعت و اهداف نکاح که بر مودت، رحمت و آرامش استوار است، منافات دارد.

در نتیجه، بسیاری از چالش‌های کنونی مهریه را نمی‌توان به اصل تشریع این نهاد نسبت داد؛ بلکه این مشکلات عمدتاً ناشی از برداشت‌های عرفی، اجرای نادرست احکام و فاصله گرفتن از مقاصد شریعت اسلامی است.

۱. راه کارهای فقهی برای جلوگیری از سوءاستفاده از مهریه

فقه اسلامی، به‌ویژه فقه حنفی، افزون بر بیان احکام مهریه، راه کارهایی را برای جلوگیری از افراط و تفریط در تعیین و اجرای آن ارائه کرده است. این راه کارها ضمن حفظ حق مالی زن، مانع تبدیل مهریه به ابزاری برای فشار، اختلاف و اخلاف در استحکام خانواده می‌شود.

۱.۱. تأکید بر اعتدال در تعیین مهریه

نخستین و مهم‌ترین راه کار فقهی، رعایت اصل اعتدال در تعیین مهریه است. هرچند تعیین مقدار مهریه به توافق زوجین واگذار شده، اما شارع مقدس مسلمانان را به آسان‌گیری در امر ازدواج تشویق کرده است؛ زیرا مقصود اصلی نکاح، تشکیل خانواده، حفظ عفت، تکثیر نسل و ایجاد مودت میان زوجین است، نه تحمیل تعهدات مالی سنگین.

امام شوکانی در شرح حدیث «إِنَّ أَعْظَمَ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مَوْنَةً» می‌نویسد که کاهش مهریه موجب تسهیل ازدواج، افزایش تشکیل خانواده و تحقق مقاصد شریعت می‌شود (شوکانی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۹۷). هم‌چنین وهبه زحیلی نیز اعتدال در تعیین مهریه را از عوامل تحقق عدالت، کاهش اختلافات خانوادگی و حفظ مصالح خانواده دانسته است (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۶۴۵).

۱.۱.۲. مشروعیت مهریه مؤجل

یکی دیگر از راه کارهای فقه اسلامی، مشروعیت مهریه مؤجل است. فقه حنفی با پذیرش امکان تأخیر در پرداخت تمام یا بخشی از مهریه، زمینه ایجاد تعادل میان حقوق مالی زن و توان اقتصادی مرد را فراهم ساخته است. این انعطاف‌پذیری از یک سو حق زن را حفظ می‌کند و از سوی دیگر مانع ایجاد فشار مالی غیرمعارف بر زوج می‌شود (ابن نجیم، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۵۰؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۹۸).

۱۰.۳. تقویت آگاهی فقهی و اصلاح فرهنگ عمومی

بخش مهمی از مشکلات موجود، ناشی از ناآگاهی نسبت به فلسفه تشریع مهریه است. از این رو، تبیین احکام خانواده، آموزش مقاصد شریعت و اصلاح نگرش‌های فرهنگی از سوی علما، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، می‌تواند از شکل‌گیری عرف‌های نادرست جلوگیری کند. هرچه جامعه به فلسفه واقعی مهریه نزدیک‌تر شود، احتمال تبدیل آن به ابزار اختلاف و منازعه کاهش خواهد یافت (قرضاوی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۶۸).

۱۰.۴. توجه به مقاصد شریعت در تعیین مهریه

در تعیین مهریه، افزون بر رعایت احکام فقهی، توجه به مقاصد شریعت نیز ضروری است. حفظ خانواده، رفع حرج، تحقق عدالت، حمایت از کرامت زن و تسهیل ازدواج از مهم‌ترین اهداف شریعت در تشریع مهریه به‌شمار می‌روند. بنابراین، هر شیوه‌ای که موجب دشوار شدن ازدواج، افزایش اختلافات یا تضعیف بنیان خانواده شود، هرچند از نظر شکلی صحیح باشد، با اهداف کلی شریعت هم‌خوانی ندارد (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۹۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۹، ص ۶۶۵).

بر این اساس، اجرای صحیح احکام مهریه زمانی تحقق می‌یابد که مقررات فقهی در پرتو مقاصد شریعت و شرایط اجتماعی تفسیر شوند. در چنین صورتی، مهریه به‌جای آن که منشأ اختلاف باشد، به ابزاری برای حمایت از حقوق مالی زن، تقویت اعتماد متقابل زوجین و استحکام بنیان خانواده تبدیل خواهد شد.

۱۱. مناقشه

این پژوهش با عبور از رویکرد صرفاً توصیفی در بررسی احکام مهریه، مسئله مهریه را در سطحی تحلیلی بازخوانی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد آن‌چه امروز به‌عنوان «بحران مهریه» در جوامع اسلامی مطرح است، نه ناشی از کاستی یا ناکارآمدی در مبانی فقه حنفی، بلکه حاصل جابه‌جایی کارکردهای اصیل مهریه، غلبه عرف‌های افراطی و بازتفسیرهای تقلیل‌گرایانه از این نهاد حقوقی است. در این وضعیت، مهریه از یک حق مالی حمایتی و کرامت‌محور به ابزاری برای اعمال فشار حقوقی، جبران

ناهنجاری‌های ساختاری یا نماد تفاخر اجتماعی تبدیل شده است؛ امری که با فلسفه تشریع آن در فقه اسلامی سازگار نیست.

بر این اساس، مناقشه اصلی پژوهش نه در تقابل فقه اسلامی با عدالت جنسیتی، بلکه در تعارض میان «فقه مهریه» به عنوان نظامی منسجم، مقاصدی و متوازن، و «عرف مهریه» به عنوان پدیده‌ای متغیر، گاه افراطی و منفک از منطق فقهی صورت‌بندی می‌شود. این تمایز تحلیلی امکان آن را فراهم می‌سازد که بدون نفی اصل مهریه یا گسست از سنت فقهی، راه کارهای اصلاحی درون فقهی و عقلانی برای بازگرداندن مهریه به کارکرد اصیل آن ارائه گردد. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با برجسته‌سازی ظرفیت‌های فقه اسلامی در مهار سوء کاربردهای عرفی و بازتنظیم کارکردهای مهریه، افق تازه‌ای در مطالعات فقه خانواده می‌گشاید و از حیث رویکرد مناقشه‌محور، خود را از بخش قابل توجهی از پژوهش‌های مشابه متمایز می‌سازد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهریه در فقه اسلامی نهادی صرفاً مالی یا تشریفاتی نیست، بلکه بخشی از یک منظومه حقوقی منسجم است که با اهدافی همچون حفظ کرامت زن، تأمین حداقلی امنیت اقتصادی، تسهیل ازدواج و تحکیم نهاد خانواده تشریع شده است. بررسی منابع معتبر فقهی آشکار می‌سازد که فقه اسلامی با تفکیک میان ارکان عقد نکاح و آثار مترتب بر آن، مهریه را حق مالی مستقل زن می‌داند که پس از انعقاد عقد صحیح برای او ثابت می‌شود؛ امری که بیان‌گر نگاه نظام‌مند، عقلانی و منعطف شریعت به روابط خانوادگی است.

از منظر تحلیلی، چالش‌های معاصر مهریه از جمله افراط در تعیین آن، کاربست آن به عنوان ابزار فشار حقوقی و بروز تعارض‌های ناشی از ناتوانی اقتصادی زوجین، بیش از آن که ریشه در مبانی فقهی داشته باشد، ناشی از تحریف کارکردهای اصیل مهریه در سطح عرف اجتماعی است. در مقابل، فقه اسلامی با ابزارهایی هم‌چون توصیه به اعتدال، مشروعیت مهریه مؤجل، پذیرش اعسار، امکان تقسیط و نقش قاضی در رفع ضرر و تحقق عدالت، ظرفیت لازم برای مدیریت این چالش‌ها را داراست.

یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد که برداشت‌های تقلیل‌گرایانه از مهریه، چه در قالب تفسیر آن به عنوان نشانه تبعیض جنسیتی و چه در قالب محدودسازی آن به ضمانت صرف حقوق زن، با منطق درون فقهی سازگار نیست. در فقه حنفی، مهریه بخشی از یک نظام کامل حقوق خانواده است که در کنار نفقه، حسن معاشرت و مسئولیت‌های اخلاقی زوجین معنا می‌یابد و این رویکرد از تمرکز افراطی بر یک مؤلفه حقوقی جلوگیری می‌کند.

در سطح مناقشه علمی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسئله اصلی نه تعارض میان فقه اسلامی و عدالت جنسیتی، بلکه فاصله میان «فقه مهریه» و «عرف‌های مسلط» است. این تمایز امکان بازخوانی معاصر مهریه را بدون نفی اصل تشریع آن فراهم می‌سازد و زمینه اصلاحات درون‌فقهی را مهیا می‌کند. در مجموع، مهریه در فقه حنفی نهادی پویا، عدالت‌محور و قابل انطباق با شرایط زمانه است که در صورت بازگشت به فلسفه اصیل خود، می‌تواند هم‌زمان در حمایت از حقوق زن و تحکیم بنیان خانواده نقش مؤثر ایفا کند و مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های حقوقی و قضایی در حوزه خانواده فراهم آورد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حبان، محمد بن حبان. (۱۴۱۴ق). صحیح ابن حبان. بیروت: مؤسسه الرساله.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). مسند الإمام أحمد. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. ابن عابدین، محمد امین. (۱۴۱۲ق). رد المختار علی الدر المختار (ج ۳). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۲۰۰۳م). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۶. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم. (۱۴۱۸ق). البحر الرائق شرح کنز الدقائق (ج ۳). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن همام، کمال الدین محمد. (۱۴۲۴ق). فتح القدیر. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۸. أبو خشیف، تیسیر محمد. (۲۰۲۳). أثر هلاک المهر المعین: دراسة فقهیه مقارنه. مجله جامعه دمشق للعلوم القانونیه، (۱)۲، ۱۱۵-۱۶۷.
۹. اسماعیل، عبدالله بن محمد. (۲۰۲۳). مقسطات المهر: دراسة فقهیه مقارنه. مجله القلم للعلوم الإنسانیة والتطبیقیة.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ق). صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاة.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۸ق). سنن الترمذی (ج ۳). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. جصاص، أحمد بن علی الرازی. (۱۴۱۲ق). أحكام القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. جهیر، عبدالعظیم. (۱۳۹۹ش). مهریه زنان از دیدگاه اسلام. کابل: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی.
۱۴. دهلوی، شاه ولی الله. (۱۴۲۶ق). حجة الله البالغة. بیروت: دار الجیل.
۱۵. زحیلی، وهبة. (۱۴۱۸ق). الفقه الإسلامی وأدلته (ج ۹). دمشق: دار الفكر.
۱۶. سرخسی، محمد بن أحمد. (۱۴۱۴ق). المبسوط (ج ۵). بیروت: دار المعرفة.
۱۷. شاطبی، ابراهیم بن موسی. (۱۴۱۷ق). الموافقات فی أصول الشریعة (ج ۲). بیروت: دار المعرفة.
۱۸. شفق، عبدالخالق. (۱۴۰۳ش). مهریه های سنگین در افغانستان؛ عوامل، پیامدها و راه کارها. فصل نامه فقه و حقوق نوین.
۱۹. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). نیل الأوطار (ج ۶). بیروت: دار الحدیث.
۲۰. عثمانی، محمد شفیع. (۱۳۹۹ش). تفسیر معارف القرآن. هرات: شیخ الاسلام احمد جام.

٢١. عساف، محمد و ديبغ، اسراء. (٢٠٢٢). **حقوق المرأة المالية في ضوء مقاصد الشريعة الإسلامية**. مجلة العلوم الإسلامية، ٥(٥) ٨١-٩٧.
٢٢. عيش، محمد بن أحمد. (١٤٠٩ق). **منح الجليل شرح مختصر خليل**. بيروت: دار الفكر.
٢٣. قرضاوى، يوسف. (١٤٢٢ق). **فقه الأسرة في الإسلام (ج ٢)**. قاهره: مكتبة وهبة.
٢٤. كاساني، علاء الدين. (١٤٠٦ق). **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع (ج ٢)**. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٥. ماوردى، على بن محمد. (١٤١٩ق). **الحاوى الكبير**. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٦. نسائي، أحمد بن شبيب. (١٤١٤ق). **سنن النسائي**. بيروت: مكتب المطبوعات الإسلامية.
٢٧. مسلم، بن الحجاج. (٢٠١٠م). **صحيح مسلم**. بيروت: دار الكتب العلمية.